

درآمدی بر مبانی پارادایمی تبیین نابودی ربا از دیدگاه قرآن کریم

عبدالخالق کریمی^۱

چکیده

یکی از مبانی حاکم در ادبیات اقتصاد متعارف افزایش سود ربوی سرمایه می‌باشد، که نتیجه آن بروز بحرانهای اقتصادی و دوران رکود همراه با تورم و بیکاری در این جوامع می‌باشد. در مقابل اقتصاد اسلامی مبتنی بر اصل حذف ربا و اذعان به نابودی آن، و داشتن مبانی بنیادین و حیانی در عرصه تنظیم پارادایم اقتصادی مطلوب، نسخه راه‌گشایی ارائه داده است. بررسی این مبانی پارادایمی با رویکرد تبیین نابودی ربا، یکی از مراحل اولیه تنظیم پارادایم اقتصاد اسلامی می‌باشد.

این مقاله به دنبال تبیین چرایی و چگونگی نابودی ربا، با مد نظر قرار دادن مبانی قرآنی - اقتصادی حاکم در پارادایم نظام اقتصادی اسلام، در حوزه‌ی موضوع و روابط این موضوع با خداوند متعال، جامعه و طبیعت، همراه با اهداف آن و بیان لوازم آثار رباخواری می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بر اساس مبانی حاکم قرآنی - اقتصادی، نابودی لازمه رباخواری می‌باشد، و نابودی تدریجی اهداف و غایات رباخوار از رباخواری با بروز آثار و لوازم آن اتفاق می‌افتد. بطوریکه دیوانگی و عدم تعادل، اضطراب و نگرانی و سایر لوازم دهشتناک فردی و اجتماعی از جمله لوازم و آثار آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: مبانی، ربا، نابودی ربا، محق، پارادایم.

^۱. دانش‌پژوه دکتری علوم اقتصادی جامعه المصطفی‌العالمیه - Abkarimi58@gmail.com

مقدمه

امروزه رسیدن به رفاه، توسعه و حداکثر سازی مطلوبیت ناشی از داشتن ثروت و سرمایه یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصاد متعارف می‌باشد، و اقتصاد سرمایه داری با تکیه بر اصل بهره و ربا، و اعمال نرخ بهره در مجموعه مبادلات مالی و اقتصادی خویش، همواره به دنبال افزایش سود ربوی سرمایه و افزایش آن می‌باشد. اما با تمام تلاش‌های اقتصاددانان سرمایه داری، در جهت کاهش فقر، تورم، بیکاری و رسیدن به رفاه و توسعه اقتصادی هنوز، بروز بحران‌های اقتصادی و دوران رکود همراه با تورم و بیکاری گریبان گیر جوامع اقتصادی آنان می‌باشد، که علت اصلی بروز بحران‌ها را ناشی از وجود نظام ربوی می‌دانند.

در مقابل اقتصاد اسلامی مبتنی بر حذف بهره و ربا و داشتن اصولی بنیادین و حیانی که در عرصه تنظیم اقتصادی جوامع نسخه راه گشایی ارائه داده است، از نظر ساختار و ماهیت و اصول حاکم بر آن، متفاوت از اقتصاد متعارف می‌باشد، و اصول و مبانی منحصر به فردی را در این زمینه ارائه داده است. یکی از اصولی که براساس مبانی اقتصادی قرآن کریم مطرح می‌باشد، اصل نابودی ربا می‌باشد، که در آیات نورانی قرآن به طور صریح به آن اشاره شده است.^۱ و صد البته این اصول بر اساس ادبیات اقتصاد متعارف نه تنها قابل تبیین و توجیه نمی‌باشد، بلکه نقطه مقابل مبانی حاکم بر آن می‌باشد.

این تحقیق به دنبال تبیین چرایی و چگونگی نابودی ربا از دیدگاه قرآن کریم به عنوان عالی‌ترین مبنای نظریه پردازی اسلامی می‌باشد، آنچه به عنوان طرح اولیه نسبت به این مسئله از دیدگاه قرآن کریم می‌توان بیان داشت، مد نظر قرار دادن پارادایم نظام اقتصادی اسلام، و توجه به مبانی قرآنی - اقتصادی حاکم در حوزه ی موضوع و روابط این موضوع با خداوند متعال، جامعه و طبیعت، همراه با اهداف مشخص و متمایزی در این پارادایم معین می‌باشد. که مجموعه این مبانی، اهداف و گزاره‌ها می‌تواند ترسیمی از ویژگی‌های

^۱ «يَمْحَقُ اللَّهُ الرُّبَا وَيَرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره: ۲۷۶)

اقتصاد مطلوب قرآنی را به دنبال داشته باشد، و در این ساختار نابودی ربا معنا پیدا می‌کند. فرضیه اصلی مقاله در تبیین وجه نابودی ربا، نابودی تدریجی اهداف و غیایاتی است که رباخوار در نظر دارد با انجام فعل حرام و بسیار شنیع و مخالف شدید رضای خدا به آن برسد (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۱۸-۲۱)، براساس مبانی پارادایمی حاکم در نظام اقتصادی اسلامی، با رویکرد کلان نظام اقتصادی و رویکرد خاص و ناظر به نابودی ربا، به لوازم فردی و اجتماعی رباخواری، به عنوان نتایج کارکردی این پارادایم در مقوله تبیین نابودی ربا می‌رسیم.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و تفسیر آیات قرآنی مربوط به مفاهیم و مبانی حاکم و اهداف اقتصادی حذف ربا و روایات ائمه معصومین^(ع) مرتبط با این مقوله پرداخته ایم. و نوآوری تحقیق در ترسیم مبانی حاکم و مرتبط با انسان شناسی، ارزش شناسی، جهان بینی و اهداف اقتصادی نسبت به این مقوله می‌باشد، که از فرایند تبیین و استنتاج از آن‌ها پاسخ به سوال اصلی تحقیق محقق می‌گردد.

پیشینه تحقیق

آنچه در بیان موضوعات مرتبط با بحث ربا در میان متفکران اسلامی مطرح است، بیشتر ناظر به مفهوم شناسی و بیان نظریه‌های ربا و بهره (موسویان، ۱۳۸۶، ش ۲۷، ص ۶۷-۱۰۰) و نظرات تطبیقی (بخشی دستجردی، ۱۳۸۹، ش ۳۸، ص ۶۱-۸۸)، بیان حکمت‌های تحریم ربا (احمدوند، ۱۳۹۰، ش ۳۹، ص ۲۱۷-۲۸۰)، حذف ربا در بانکداری و اثرات آن در اقتصاد (بهره وری) و اجتماع می‌باشد، و تحقیق مستقلی در تبیین نابودی ربا از دیدگاه اسلامی مشاهده نگردید. سعید فراهانی فرد، در مقاله «نقش بانکداری بدون ربا در رفع فقر» معتقد است، تحقق نظام بانکی بدون ربا همراه با اجرای سایر ابعاد نظام اقتصادی اسلام به رفع فقر از این جوامع می‌انجامد. در میان عوامل اقتصادی، حاکمیت نظام بهره نقش تعیین کننده‌ای در تشدید فقر داشته است. وی عوامل اقتصادی پیدایش فقر و راه‌های درمان آن را در چارچوب الگوی بانکی مبتنی بر مشارکت بررسی کرده است (فراهانی فرد، ۱۳۷۸، ش ۱۷، ص ۱۱۵-۱۳۰).

رضا اکبریان خوراسگانی، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در کنار پاسخ به چرایی

ضرورت اجتناب ناپذیر بهره در نظام بانکداری سنتی به چرایی حذف ربا در نظام بانکداری اسلامی به تبع از شریعت مقدس اسلام، پرداخته است و معتقد است که اسلام بر اساس تثبیت مکارم اخلاقی و برقراری اصول عدل و انصاف، با لغو ربا و تحریم این عمل ناروا، افراد را به برقراری اصول رحم و شفقت، برادری، مساوات و کمک به هم نوع خود دعوت نموده است. بخصوص در این زمینه، قرض الحسنه را واجد ثواب بسیار و اجر معنوی می‌شمارد. و در مقابل ربا را برهم زننده ی توازن و تعاون و نظم اجتماعی و موجب بدتر شدن وضع اقتصادی طبقه زحمت کش، کاهش قدرت خرید و قدرت مقاومت و مبارزه افراد برای ادامه زندگی، و توقف چرخ‌های اقتصادی جامعه با انباشت نقدینگی در دست سرمایه داران می‌داند. و رباخواری را دشمن بزرگ ارزش‌های اخلاقی می‌داند (اکبریان خوراسگانی، ۱۳۷۰) و در پایان با توجه به روایات موجود در باب حرمت ربا نتیجه گرفته است که در اقتصاد اسلامی مسائل مادی با ارزش‌های معنوی و اخلاقی گره خورده است، لذا محال است که مشکلات اقتصادی جامعه بر اساس یک مکتب اقتصادی صددرصد مادی حل کرد و اگر رباخواری حذف شود، در روابط اقتصادی، قرض الحسنه جایگزین آن خواهد شد (همان).

اسدالله فرزین وش و کامران ندیری، در مقاله ربا، بهره قراردادی و بهره طبیعی را از دیدگاه متفکرین مسلمان، مورد بررسی قرار داده است (فرزین‌وش، ۱۳۸۱، ۶۰، ص ۱۴۹-۱۸۶) و به این نتیجه اشاره دارد که مباحث اقتصادی بیشتر حول مفهوم پول، و نه سرمایه حرکت می‌کند. و درآمد حاصل از سرمایه، سود نامیده می‌شود، اما ماهیت وجودی آن مورد دقت علمی قرار نگرفته و هیچ توضیحی در مورد ماهیت درآمد حاصل از سرمایه ارائه نمی‌شود. ماهیت وجودی سود، به مفهوم عمیق بهره طبیعی وابسته است. ماهیت وجودی انواع حقوقی بهره قراردادی نیز به این مفهوم بنیادی بستگی دارد (همان).

علیرضا پورفرج، در مقاله «طراحی مدل علمی براساس مبانی و پارادایم‌های اقتصاد اسلامی» به نحوه ارتباط میان اصول و پارادایم‌های مکتب با علم اقتصاد پرداخته است، و اصول و پارادایم اقتصاد اسلامی را هرچند موضوعی غیرعلمی و غیرآزمون پذیر است، اما حکیمانه، عادلانه، تعادلی و برای رفاه بشر می‌داند، و برای به‌کارگیری آن فرایند تبدیل به گزاره علمی و فرضیه متناسب همراه با تعریف متغیرهای مرتبط را پیشنهاد می‌کند، و بر

این اساس آموزه‌ی نفی ربا (بهره) را مدل سازی کرده و اثر آن را بر رشد نشان داده است (پورفرج، ۱۳۸۷، ش ۳۲، ص ۱۲۳-۱۴۰).

احمد بهرامی؛ محمد رضا باباخانیان، در مقاله «مکتب توسعه انسانی - اجتماعی قرآن به عنوان یک پارادایم، مهندسی فرهنگی» به آموزه‌های گسترده توسعه انسانی - اجتماعی قرآن که ریشه در علم بی‌پایان الهی دارد و مبتنی بر حق می‌باشد به عنوان یک پارادایم بی‌بدیل مطرح کرده است، که می‌تواند نواقص دانش بشری در ارائه تئوری‌های کلان و متقن در تحلیل پدیده‌های اجتماعی را برطرف کند (بهرامی، ۱۳۸۹، ۴۷ و ۴۸، ص ۶-۱۴).

در مقابل مقالاتی با موضوع زکات که از خانواده صدقات واجب قلمداد می‌شود، تحقیقاتی چندی ارائه شده است، چنانکه، سید ضیاء الدین کیاء الحسینی، در مقاله نقش زکات فطره در فقر زدایی مطالعه موردی: ایران ۱۳۸۵-۱۳۷۰، با توجه به آمار دهک‌هایی که زیر خط فقر قرار دارند مبالغ زکات فطره کشور برای دو جامعه روستایی و شهری کشور در سطح خانوار و ملی محاسبه نموده و سرانجام با در نظر گرفتن نتیجه‌های مربوط به شکاف فقر، مقایسه‌ای بین مبلغ زکات فطره با شکاف فقر در سطح کشور انجام داده است، و نتیجه‌ها حاکی از آن است که در فاصله زمانی پیش گفته مبالغ زکات بالقوه برای فقرزدایی کافی نبوده و باید از ابزارهای دیگری مثل زکات مال، خمس و دیگر پرداخت‌ها یاری جوید (کیاء الحسینی، ۱۳۸۷، ش ۳۱، ص ۱۳۳-۱۶۰).

محمد تقی گیلک حکیم آبادی، در مقاله بررسی توان زکات (گندم و جو) در کاهش فقر (مطالعه موردی استان گلستان)، به این نتیجه اشاره می‌کند که چنانچه گردآوری و هزینه کردن زکات با درایت و مدیریت انجام شود زکات توان تأمین مالی درصد بالایی برای کاهش فقر را دارا می‌باشد (گیلک حکیم آبادی، ۱۳۸۵، ش ۵۴، ص ۱۰۱-۱۲۲).

از میان بررسی نظریات مفسران برای تبیین وجه نابودی ربا، سه نظریه مطرح است، که مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه؛ «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيَرْبِّي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره: ۲۷۶)؛ به ویژگی‌های ربا و صدقات و آثاری که این دو دارند (چه نوعی و چه فردی) اشاره می‌کند و نظریات دیگر در این زمینه را رد می‌کند.

علامه معتقد است؛ محق و نابودی و ویرانگری از لوازم جدایی‌ناپذیر ربا است؛

هم‌چنان که برکت و نموّ دادن مال، اثر جدایی‌ناپذیر صدقه است. ربا هرچند نامش ربا (زیادی) است، از بین‌رفتی است و هر چند که نام صدقه را زیادی نگذاشته باشند، زیاد شدنی است، لذا وصف ربا را از ربا می‌گیرد و به صدقه می‌دهد. وی به‌آثار وضعی رباخواری در جامعه از قبیل؛ تجمع ثروت و تراکم آن از یک طرف و فقر و محرومیت عمومی از طرف دیگر اشاره می‌کند، و معتقد است که رباخوار از جهت غایات و نتایجی که از گرفتن ربا در نظر دارد به نتیجه نمی‌رسد، چون منظور رباخوار از عمل خود، این است که به زندگی خوشی برسد و لذت زندگی گوارایی را بجشد، لیکن حرصی که در رباخواری است نمی‌گذارد او از زندگی لذت ببرد و او را حریص به جمع مال می‌کند و مال به آسانی جمع نمی‌شود، بلکه باید با کسانی که رقیب او هستند و یا قصد خوردن سرمایه او را دارند دائما مبارزه کند، از طرفی دیگر مردمی که او خنشان را به شیشه گرفته و به روز سیاهشان نشانده است، در مقام دشمنی با او بر می‌آیند و خواب راحت را از او سلب می‌کنند (طباطبائی، پیشین، ج ۲، ص ۴۱۸-۴۲۱). علامه طباطبائی، قول کسانی را که مراد از محق ربا را محق آخرتی می‌دانند، رد کرده و آنرا مدعای بدون دلیلی در آیه شریفه می‌داند (همان). هم‌چنین قول کسانی که قائلند که محق ربا به معنای از بین بردن مال ربوی و تنها باقی ماندن خسران و حسرت برای رباخوار هست، رد می‌کند، چون معتقد است که ما به چشم خود می‌بینیم رباخواران روز به روز پولدارتر می‌شوند (همان).

ما در این مقاله با توجه به تحقیقات انجام گرفته در حوزه‌های آثار کارکردی صدقات، زکات و قرض الحسنه، تبیین قول علامه طباطبائی (ره)، را در ارتباط با نابودی ربا، آن‌هم با اتخاذ روش پارادایمی و تبیین مولفه‌های اساسی پارادایم که بیان مبانی حاکم در حوزه‌ی موضوع، و روابط این موضوع (انسان)؛ با خداوند متعال، با انسان‌های دیگر و با طبیعت و زندگی دنیوی و اهداف و آثار و لوازم آنرا مد نظر قرار می‌دهیم.

ادبیات مفهوم شناسی

مفهوم ربا در فرهنگ و اصطلاح اقتصادی به مفهوم زیاده در قرارداد قرض اطلاق می‌شود. و ربا یا «ربوا» از رَبَوَ گرفته شده است «ربا ربوا کعلو و رباء زاد و نما و اربیتة والرابیه علاها» (زبیدی، تاج‌العروس، ج ۱۰، ص ۱۴۳) که در لغت به معنای زیادت و رشد و

نمو و هم چنین بالا آمدن می باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲/۴۸۳). در اصطلاح فقها عبارتست از معاوضه مالی به مالی دیگر که این دو اولاً هم جنس باشند. ثانیاً باکیل یا وزن اندازه گیری شوند یا قرض دادن به شرط زیاده (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۳، ص ۳۳۶) باشد، قید معاوضه ذکر شده است تا شامل همه مبادلات و معاوضات بشود و اعم از بیع باشد حتی صلح و هبه معاوضه را نیز در بر می گیرد.

محق در لغت به معنای نابودی و نقصان (ابن درید، ۱۹۸۸، ۱/۵۶۰)، نقصان تدریجی نه مطلق نقصان؛ معنا نموده اند. بر همین اساس عرب به ماه قمری بعد از شب چهاردهم، محاق می گوید (ابن عباد، ۱۴۱۴، ۲/۳۶۷)، زیرا از شب چهاردهم به بعد، قرص ماه، رفته رفته رو به زوال و نابودی حرکت می کند تا به جایی می رسد که کلاً ناپدید می شود. و مثلاً صدقه، مثل ماه از شب اول تا شب چهاردهم در آسمان است که روز به روز رشد می کند تا به کمال برسد. علامه طباطبایی در تعریف «محق» می نویسد: المحق نقصان الشیء حالاً بعد حال، و وقوعه فی طریق الفناء و الزوال تدریجاً؛ (طباطبائی، پیشین، ص ۴۱۸) و عرب واژه «محق» را در موردی استعمال می کند که یک چیز در حالات مختلف به سمت نقصان و نابودی و از بین رفتن پیش رود و «محو» از بین رفتن دفعی است. در قرآن فقط برای ربا (بقره: ۲۷۶) و کافران (آل عمران: ۱۴۱) از این واژه استفاده شده است، که به معنی نابودی تدریجی به کار رفته است.

پارادایم ها اصول ثابت، کلی، مستقل از زمان و مکان و تعیین کننده شکل به کارگیری آن برای تعریف مدل علمی و کاربردی مفید با سازوکار عقلانی جهت حصول به ثروت و رفاه و عدالت هستند (پورفرج، ۱۳۸۷، ش ۳۲، ص ۱۲۳-۱۴۰). این اصول و مبانی زیربنای نظریه های علمی و اسلامی را تشکیل می دهد تا احکامی علمی از درون این موردها استخراج شده و برای تنظیم رابطه های بین افراد در درون یک جامعه مشخص استفاده شود (همان). هر پارادایم در معنای عام یک چارچوب و الگوی فکریست، ولی در معنای خاص محدوده ای از عالم هستی و قواعد آن را بر روی ما می گشاید و پیش فرض ها و برداشت های ما نسبت به موضوعات را تعیین می کند. ملاک قدرت و ضعف یک جریان و نظریه علمی فقط توان توجیه مسائل و پدیده های علمی است (بهرامی، پیشین، ص ۶ -

۱۴). و پارادایم شامل مفروضات مصرح، شیوه‌های مقبول و مرسوم تطبیق قوانین به‌چند وضعیت گوناگون، و بعضی اصول بسیار کلی مابعدالطبیعی است که پژوهش درون پارادایم را هدایت می‌کند(همان).

ادبیات روش‌شناسی تحقیق

براساس نظرکارشناسان اقتصاد اسلامی، درعلم اقتصاد باید سیاست‌ها و بایدهای ابزاری استنتاج‌کرد که ارزش‌های ذاتی حاکم بر روابط اقتصادی آن‌ها را تحمل کند، و متناسب با ارزش‌های ذاتی باشد. وقتی ارزش‌های ذاتی بهره را یک نوع ظلم می‌داند با این ظلم نمی‌توان به عدالت اقتصادی دسترسی پیدا کرد، و یا در جهت آن حرکت نمود و فقر را کاهش داد یا اشتغال را افزایش داد(نظری، ۱۳۸۹، ش ۶۴ و ۶۵، ص ۳۳-۴۲). از دیدگاه اسلامی منبع این ارزش‌های ذاتی که می‌تواند در قالب مبانی حاکم در حوزه‌های مختلف انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و جهان‌بینی مطرح باشند، قرآن و روایات معتبر اسلامی می‌باشد. در مرحله بعد، تطبیق ارزش‌های ذاتی و آموزه‌های اسلامی در حوزه اقتصاد خرد و کلان جامعه، سیاست‌ها و ابزارهای علمی همگون و هماهنگ را می‌طلبد. پس بایدهای ارزشی ذاتی-اخلاقی یک نظام اقتصادی تعیین‌کننده نوع سیاست‌های اقتصادی و بایدهای ابزاری آن باشند، که تعیین آن‌ها با ملاحظه عینیت و واقعیات اقتصادی جامعه انجام می‌پذیرد. خاستگاه علم اقتصاد اسلامی نیز همین ارتباط واقعی بین ارزش‌های ذاتی اسلامی در مورد روابط اقتصادی جامعه و تعیین سیاست‌های متناسب با آن‌هاست(همان).

از دریچه این نگاه، اقتصاد اسلامی یک مقوله علمی به‌مفهوم متداول آزمون‌پذیری گزاره‌های آن نیست، بلکه نظامی است که به تعیین استراتژی‌های عقلانی، عادلانه و تعادلی با ارائه برخی قاعده‌ها و پارادایم‌ها می‌پردازد تا با به‌کارگیری قانون‌ها و احکام آن ثروت و رفاه جامعه افزایش داده و به‌طور منصفانه توزیع شود. هم‌چنین می‌توان یک مقوله علمی-اثباتی را از درون یک جهان‌بینی استخراج کرد(پورفرج، پیشین، ص ۱۲۳-۱۴۰) و همان‌طور که در مفهوم‌شناسی بیان شد، پارادایم‌ها در این زمینه به عنوان اصول ثابت، کلی، مستقل از زمان و مکان و تعیین‌کننده شکل به‌کارگیری آن برای تعریف مدل علمی و کاربردی مفید با سازوکار عقلانی، جهت حصول به‌اهداف میانی(ثروت و رفاه و عدالت)

هستند. و در نهایت تحقق اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام را به دنبال دارد.

براین اساس با مد نظر قرار دادن مبانی قرآنی - اقتصادی و به طور کلی بیان شاکله‌های اساسی پارادایم نظام اقتصادی اسلامی، در قالب مبانی زیربنایی حاکم در نظام اقتصادی اسلامی، و ارزش‌های ذاتی مستخرج از کتاب و سنت، و با رویکرد تبیین نابودی ربا، در محورهای مبانی حاکم در حوزه موضوع و روابط انسان با خداوند متعال، جامعه، طبیعت و زندگی دنیوی انسان‌ها قابل طرح باشد، و از ره آورد بیان آن چرایی و چگونگی نابودی ربا از دیدگاه آموزه‌های اسلامی به عنوان عالی ترین مبنای نظریه پردازی، تبیین و توصیف می‌گردد.

مبانی اساسی پارادایم نظام اقتصادی اسلامی با رویکرد تبیین نابودی ربا

۱. مبانی حاکم در حوزه موضوع پارادایم نظام اقتصادی و رباخواری

موضوع در پارادایم نظام اقتصادی اسلامی، انسان به عنوان غایت و عصاره هستی و جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی - اقتصادی آن می‌باشد، انسان اسلام بر اساس نظریه فطرت^۱، دارای مجموعه‌ای از تمایلات و داشته‌های ذاتی و ظرفیت بی پایان تغییر و تحول است، و آجر به آجر هویت خویش را با کمک داشته‌های ذاتی خود می‌سازد. داشته‌هایی که با انباشت فرآورده‌های خویش سعی وجودی می‌یابد و در نتیجه در انسان‌سازی قویتر از پیش عمل می‌کند، و می‌بایست تحول و اقتصاد را از ارزش‌های حاکم بر وجودشان و از خویشتن خویش شروع کنند تا مشمول الطاف الهی گردند (رعد: ۱۱) و کمال و انحطاط براساس اقتضائات فطری آدمی معنا پیدا می‌کند (گرامی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸) و تخلیه نفس از اوصاف شیطانی هم چون: کذب، حسد، فتنه، فسق، خبث و انواع و اقسام ناپاکی و تحلیه

^۱ مقصود از فطریات آن اموری است که جمیع سلسله بشری در آن متفق باشند، و هیچ عادتی و مذهبی و محیطی و اخلاقی در آن تاثیری نکند. و ویژگی های فطرت عبارتند از: ۱ - تحقق آن‌ها به علتی غیر از علت وجود انسان نیاز ندارد. ۲- ثابت، پایدار و جاودانه اند؛ زیرا لوازم ذات یک چیز مانند ذاتیات آن، انفکاک ناپذیرند. ۳ - همگانی و فراگیر بوده، کلیت و عمومیت دارند. (روح الله موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۵، ص ۹۸).

نفس به فضایل، مدار رفتارهای مختلف اجتماعی و اقتصادی وی می‌گردد. و راه رستگاری در تزکیه می‌باشد (شمس: ۹-۱۰). در این حالت، افراد نه تنها به حقوق دیگران احترام می‌گذارند، بلکه تمایل بیشتری به فداکاری برای تحقق اهداف عمومی جامعه دارند. و از جمله مبانی حاکم در این زمینه از دیدگاه قرآن کریم این است که انسان وقتی خودش را بی نیاز ببیند طغیان و سرکشی می‌کند^۱، و این انسان علاقه شدید به مال، دارد^۲ و دنیاگرایی و غفلت از آخرت^۳، شادخواری^۴، تکاثر و سیری ناپذیری^۵، علاقه شدید به مال دنیا و جمع آوری آن (و لو از راه نامشروع)^۶، حرص و آز^۷، عجل بودن و بی‌تابی^۸، کفر نعمت^۹ و پیروی از تمایلات نفسانی^{۱۰} از نموده‌های آشکار انسان آن‌هم از نوع ناسپاس آن است. از نگاه قرآن^{۱۱} اصلی‌ترین مشکل اقتصادی، ظلم انسان‌ها و کفران نعمت الهی است (شهید صدر، اقتصادنا، ص ۳۴ و ۶۷۳).

گذشته از اینکه این مبانی حاکم دیدگاه اسلامی را در مورد شاکله و سرنوشت ربا خواری و رباخوار و ترسیم می‌کند، و مجموعه این گزاره‌ها و صفات و وقایع ناپسند به عنوان آثار وضعی و حقیقی در مورد ربا خواری و ربا خوار مصداق دارد، مبانی حاکم

۱. کَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ (العلق: ۶) أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى (العلق: ۷)

۲. وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (العادیات: ۸)

۳. بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (اعلی: ۱۶)

۴. وَأَتَرَفَنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (مومنون: ۳۳ و ۴۱)

۵. أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ (تکاثر: ۱)

۶. وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (عادیات: ۸)، وَتَجِبُونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (فجر: ۲۰)

۷. إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (معارج: ۱۹)

۸. إِنَّ هَؤُلَاءِ يُجِبُونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (دھر: ۲۷)

۹. الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ (ابراھیم: ۲۸)

۱۰. أَصَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ (مریم: ۵۹)

۱۱. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (ابراھیم: ۳۴)

خاص در مورد رباخوار این است که ؛ خداوند کسانی را که ربا می‌خورند به دیوانه تعبیر کرده است که در اثر تماس شیطان تعادل ندارند، و این به خاطر آنست که رباخواری کرده است.^۱ و ربا خوار دیوانه از دنیا می‌رود (مجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۱۲۰، ح ۳۰) و به آن آسایش و اهداف غایی که با رباخواری به دنبالش بوده، نرسیده است.

۲. مبانی حاکم بر روابط انسان با خداوند متعال

الف) مبانی حاکم بر روابط انسان با خداوند متعال در حوزه کلان اقتصادی

از مبانی حاکم بر روابط انسان با خداوند متعال در حوزه کلان معادلات اقتصادی، فراوانی غنیمت‌ها برای انسان مومن نزد خداوند متعال است،^۲ آن خدایی که وعده هایش تخلف ناپذیرند،^۳ و خداوند هیچ به مردم ستم نمی‌کند؛ ولی این مردم اند که به خویشتن ستم می‌کند!^۴ در تعبیر قرآنی به این مضامین به عنوان مبانی حاکم اشاره کرده و می‌فرماید؛ و تقوی، برکات آسمان و زمین را می‌گشاید، ذکر و عمل صالح اسباب گشایش در معیشت و حیات طیبه‌اند،^۵ و در مقابل پلیدی بر پیشانی جامعه بی‌ایمان نوشته شده است،^۶

^۱ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره: ۲۷۵)

^۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ أَلَّهِ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء: ۹۴)

^۳ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (يونس: ۶۴)

^۴ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (يونس: ۴۴)

^۵ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (اعراف: ۶۹)

^۶ و من عمل صالحا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فلنجزيه حياه طيبه و لنجزينهم أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون (نحل: ۷۹)

^۷ كذلك يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون (انعام: ۱۲۵)

و هرکس از یاد من اعراض کند، همانا معیشتش تنگ شود.^۱ زیانکاری در غفلت از یاد خداوند متعال^۲ است و دنیا طلبان از یاد خداوند متعال اعراض دارند.^۳ و فروختن آخرت به دنیا وعده عذاب داده شده است^۴، زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است.^۵ و اموال و اولاد وسیله آزمایش^۶ و وسیله عذاب برای کافران در دنیا است.^۷

از دیدگاه قرآن کریم کسب ثواب الهی بر ثروت قارونی نزد خداوند متعال، برتری دارد.^۸ و باقیات صالحات [ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر از مال و فرزندان است.^۹ و خداوند متعال وعده داده است کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم؛ و

۱. و من أعرض عن ذكری فإن له معیشتة ضنكاً و نحشره یوم القیامة أعمی (طه: ۱۴۲)

۲. یا ایها الذین آمنوا لا تلھکم أموالکم ولا اولادکم عن ذکر اللہ و من یفعل ذلک فأولئک هم الخاسرون (منافقون: ۹)

۳. فأعرض عن من تولى عن ذکرنا ولم یرد إلّا الحیاء الدنیا (نجم: ۲۹)

۴. أولئک الذین اشتروا الحیاء الدنیا بالآخرة فلا یخفف عنهم العذاب ولا هم ینصرون (بقره: ۸۶)

۵. ذین للذین کفروا الحیاء الدنیا ویسخرؤن من الذین آمنوا والذین اتقوا فوقهم یوم القیامة واللہ یرزق من یشاء بغير حساب (بقره: ۲۱۲)

۶. واعلموا انما أموالکم واولادکم فتنة وأن اللہ عنده أجر عظیم (أنفال: ۲۸)، ولا تمدن عینیک إلی ما متعنا به أزواجاً منهم زهرة الحیاء الدنیا لیتفتمهم فیہ ورزق ربک خیر وأبقى (طه: ۱۳۱)

۷. ولا تعجبک أموالهم واولادهم إنما یرید اللہ أن یعذبهم بها فی الدنیا وترھق أنفسهم وهم کافرون (توبه: ۸۵)

۸. فخرج علی قومہ فی زینتہ قال الذین یریدون الحیاء الدنیا یا لیت لنا مثل ما اوتی قارون إنه لذو حظ عظیم (قصص: ۷۹) وقال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب اللہ خیر لمن آمن وعمل صالحاً ولا یلقاها إلّا الصابرون (قصص: ۸۰)

۹. المال والبنون زینة الحیاء الدنیا والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً وخیر أملاً (کھف: ۴۶)، وما اوتیتهم من شیء فمتاع الحیاء الدنیا وزینتها وما عند اللہ خیر وأبقى أفلا تعقلون (قصص: ۶۰)

کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد.^۱ و اصل محبت امور دنیوی از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، ولی اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند) سرمایه زندگی پست (مادی) است؛ و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)^۲ و پاداش دنیا و آخرت،^۳ نزد خداست.

قرآن کریم در بی ارزشی مال و امکانات مادی دنیوی می‌فرماید؛ اگر (تمکن کفار از مواهب مادی) سبب نمی‌شد که همه مردم امت واحد (گمراه) شوند، ما برای کسانی که به (خداوند) رحمان کافر می‌شدند خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقف‌های از نقره و نردبان‌هایی که از آن بالا روند، و برای خانه‌هایشان درها و تخت‌هایی (زیبا و نقره‌ای) قرار می‌دادیم که بر آن تکیه کنند؛ و انواع زیورها؛ ولی تمام اینها بهره زندگی دنیاست، و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است!^۴ در برخی از آیات قرآن کریم از سرنوشت اقوامی یاد شده است که پس از فراموشی یاد خدا و دستورات دینی به آن چنان پیشرفتی از امکانات مادی نائل شدند که موجبات حیرت و شگفتی ناظران را برانگیخت، اما به دلیل آنکه آن پیشرفت بر پایه‌های فاسدی بنا شده بود، دیری نپایید و با فروپاشی ناگهانی خود موجبات حسرت

^۱ مَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (شوری: ۲۰)

^۲ زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (آل عمران: ۱۴)

^۳ مَنْ كَانَ يَرْيِدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (نساء: ۱۳۴)

^۴ وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لَبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (زخرف: ۳۳) وَلَبُيُوتِهِمْ أَتُوبًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ (زخرف: ۳۴) وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (زخرف: ۳۵)

و ناامیدی صاحبان آن را فراهم ساخت.^۱ و به‌طور کلی کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند [جزای] کارهایشان را در دنیا به‌طور کامل به‌آنان داده خواهد شد، و به‌آنان کم داده نخواهد شد.^۲

به‌طور کلی می‌توان گفت که در هسته مبنایی پارادایم اقتصاد اسلامی در حوزه کلان اقتصادی، مفاهیمی هم‌چون: ایمان، تقوی، توحید، ذکر و یاد خدا، عمل صالح، خشیت، توکل، طاعت، شکر، رضا و تقرب به‌خداوند متعال و بی‌ارزشی مال دنیا، و وجود خزائن همه چیز نزد خداوند و... از مفاهیم اخلاقی و اعتقادی و از مبانی حاکمی هستند که از سویی مبین رابطه انسان با خدا بوده و از سویی دیگر در پرتو این مفاهیم آشکار می‌شود، که جامعه مبرا و خالی از قراردادهای فعالیت‌های ربوی، جامعه‌ای است که در آن این مفاهیم و مبانی نهادینه شده و حاکمیت دارند، و ادبیات فرهنگی و اقتصادی و رفتاری آن جامعه برمحور این مفاهیم درجریان می‌باشد. و بیان مبانی حاکم بر روابط انسان با خداوند متعال در حوزه خرد (نابودی ربا)، تطبیق و تبیین این مبانی حاکم را روشن تر می‌سازد.

ب) مبانی حاکم بر روابط انسان با خداوند متعال در حوزه خرد (نابودی ربا)

از نظر قرآن کریم رباخواری با روح ایمان سازگار نیست، و هنگامی ایمان برای آن‌ها حاصل می‌شود که تقوا را پیشه کنند و باقی مانده ربا یعنی مطالباتی که در این زمینه دارند رها سازند.^۳

و از ربای که سود چند برابر است نهی کرده است.^۴ و اگر از ربا دست برداشته نشود به

^۱. «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ * فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۴۴-۴۵، و حدید: ۲۰)

^۲. «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ» (هود: ۱۵)

^۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۷۸).

^۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۳۰)

منزله جنگ با خدا قلمداد شده است.^۱ و ربا خوار مصداق کسی می‌باشد که از یاد خدا اعراض کرده است، در نتیجه زندگی سختی برای او مقدر می‌شود.^۲ و در آیات دیگر فرموده که خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد و هیچ انسان ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد.^۳ و در آیه دیگر می‌فرماید: آنچه به‌عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را به‌عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت است؛ و کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعفند).^۴ براساس آیات شریفه سنت بزرگ الهی این است که مال رباخوار در نزد خدا فزونی نخواهد یافت و رو به نقصان و نابودی است و در مقابل، صدقات رشد می‌یابد و اموال کسی که صدقه می‌دهد رو به‌ازدیاد است.

در روایات نیز به‌این موضوع اشاره دارد چنانکه شخصی از حضرت صادق علیه‌السلام پیرامون نابودی مال ربوی و رشد صدقات سوال کرده و به‌رشد مال رباخواران اشاره می‌کرد، حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند: خداوند در قرآن فرموده است: «ربا، نابود کننده است» و چه نابود کننده‌ای بالاتر از آن که یک درهم ربوی که اگر صاحبش از رباخواری، توبه نکند تمام دینش را نابود می‌سازد و اگر چنانچه توبه کند باید سودهای حاصله از رباخواری را به‌صاحبانشان برگرداند و فقیر می‌شود (من لایحضره الفقیه، ۳/۲۷۹) و مبعوضیت یک درهم ربا نزد خداوند سنگین تر است از هفتاد بار زنا کردن با محارم در خانه خدا و فرمود ربا هفتاد جزء دارد که آسانترینش اینست که مرد با مادرش در بیت الله الحرام ازدواج کند (مجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۱۱۷، ح ۱۳). هرکس ربا بخورد خداوند

^۱ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِخَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (بقره: ۲۷۹)

^۲ و من أعرض عن ذكرى فإن له معيشة ضنكا و نحشره يوم القيامة أعمى (طه: ۴۲)

^۳ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (بقره: ۲۷۶)

^۴ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوهَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغَفُونَ (روم: ۳۹)

عزوجل به اندازه ربایی که خورده شکمش را از آتش دوزخ پر کند و اگر از طریق ربا مالی به دست آورد، خدای تعالی هیچ عمل او را نپذیرد و تا زمانی که قیراطی (کمترین مقدار از مال ربا نزدش باشد)، پیوسته خداوند و فرشتگانش او را نفرین کنند (مجلسی، پیشین، ج ۷۳، ص ۳۶۴، ح ۳۰).

خداوند برای هر گناهی مجازاتی در نظر گرفته است که خطاکار را با آن چوب می‌زند، چوب خداوند مایه رشد و پاک شدن است اما خداوند می‌فرماید: رباخوار را شیطان چوب می‌زند یعنی به قدری نزد خداوند بی‌ارزش است که حتی وقتی قرار است برای خطایش چوب بخورد لیاقت ندارد از خدا چوب بخورد بلکه این شیطان است که او را چوب می‌زند برخلاف چوب خدا که سبب رشد است چوب شیطان بیشتر مایه سقوط و نزول و تباهی و جنون و دیوانگی است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: خورنده ربا از دنیا نمی‌رود مگر آنکه شیطان به او چوب می‌زند.^۱

پیامبر اکرم (ص)، مظهر مهربانی و رحمت خداست. خدای متعال از ایشان با عنوان رَحْمَةً للعالمین^۲ یاد کرده است، اما همین پیامبر رحمت و مظهر مهربانی کشتن ربا خوار را واجب می‌داند (آرام، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۶۱۲) و در روایت دیگری می‌فرماید که خداوند متعال ربا و خورنده و خریدار و فروشنده و نویسنده و گواهان آن را لعنت کرده است (همان). و هرگاه گناه زشت زنا و ربا در دیاری آشکار شود به تحقیق خودشان با دستان خودشان مقدمات نزول عذاب الهی را بر خودشان فراهم نموده‌اند (پاینده، ۱۳۶۳، حدیث، ۱۱۸). در این دو حدیث شریف به عذاب شدن عده‌ای فقط به بهانه ترک نهی از ربا خواری اشاره شده است یعنی دود آتش رباخواری حتی تا آنجا سرایت می‌کند اطلاع از ربا خواری دیگران و سکوت در مقابل آن، انسان را در معرض لعن پروردگار و مستحق عذاب الهی می‌سازد.

^۱. أَكَلُ الرِّبَا لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَخَبَّطَهُ الشَّيْطَانُ. (تفسیر نورالثقلین، ۲۹۱/۱)

^۲. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (انبیاء: ۱۰۷)

حدیث از رسول اعظم^(ص) منقول است: هرکس رباخواری کند یا پولی ربوی بگیرد خداوند شکمش را به همان مقدار، از آتش جهنم پر می‌کند و اگر ربا دهنده باشد تا زمانی که قیراطی (ذره‌ای) از سود ربوی در نزدش باقی باشد خداوند هیچ عمل صالحی را از او نمی‌پذیرد و دائماً در لعنت خدا و ملائکه خداوند می‌باشد (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ص ۲۸۵).

مجموعه این مبانی و گزاره‌های اسلامی، در مورد مذمت ربا و قوانین و سنت‌های لایتغیر الهی در مجازات رباخوار و رباخواری، باعث می‌شود که زمینه نابودی ربا در قالب این ساختار و آموزه‌های شکل بگیرد.

۳. مبانی حاکم بر روابط انسان با دیگر انسان‌ها

الف) مبانی حاکم بر روابط انسان با دیگر انسان‌ها در حوزه کلان اقتصادی

دین اسلام دین مبتنی بر اقتصاد و اعتدال است، و با تعادل، تعاملی بین حس منفعت جویی انسان و نیازها و همکاری جمعی و نوع دوستی قلبی، ایجاد نموده است و هم به حس منفعت جویی انسان به شکل متعادل توجه شده و هم مالکیت خصوصی افراد جامعه محترم شمرده شده است و هم نیازهای جامعه مدنظر قرار گرفته است و با این فرمول می‌توان تعادل اقتصادی جامعه را حفظ کرد. در مبانی حاکم بر روابط انسان با دیگر انسان‌ها تقویت بنیادهای اجتماعی مطرح بوده و مفهوم امت اسلامی و روابط لازم بین افراد و تکالیف افراد در قبال جامعه را تنظیم می‌کنند. زیرا توسعه و ارتقا مستمر فرد را با ارتقاء کل جامعه درهم تنیده می‌داند. مفاهیمی نظیر: امت، جماعت، تعاون، احسان، ایثار، مودت، انفاق، زکات، سائل، محروم و بسیاری دیگر از مفاهیم و یا حتی عبادات یا تکالیفی که جنبه اجتماعی دارند و بر جمعی انجام دادن آن‌ها اصرار شده است همه و همه به قصد ایجاد اخوت و روح اجتماعی مطرح شده‌اند.

قرآن کریم از توقف و تمرکز اقتصاد جامعه و عمیق شدن شکاف بین دسته فقیر و ثروتمند، مخالفت نموده و برای شکوفا شدن حس تعاون و همکاری و حفظ تعادل اقتصادی دعوت می‌نماید. زیرا اقتصاد در جامعه نقش حیاتی دارد و مال مایه قوام جامعه است و جامعه تهی دست قدرت قیام و قوام ندارد، مثل مال در جامعه مثل جریان خون

در شرابین و رگهاست همانگونه که جاری نشدن خون در بعضی رگها به‌طور درست موجب فلج شدن عضوی و اختلال می‌شود. لذا مال که مایه قوام جامعه است نباید به‌طور غیرمعقول فراهم و یا به‌طور سفیهانه مصرف گردد.^۱

اسلام با گسترش سنت قرض الحسنه و توجه به صدقات، تعادل و توازن اقتصادی در جامعه را برقرار می‌سازد و با توسعه روزافزون خود چرخ عدالت در اقتصاد و معیشت انسانی را بهبود می‌بخشد و با جریان فرهنگ وام دادن نیکو (بدون سود) به همدیگر و دستگیری بدون نزول ثروت مندان از تهی‌دستان فاصله بین فقیر و غنی را نیز کوتاه‌تر و کمتر خواهد نمود و برای تعادل اقتصاد جامعه مؤثر خواهد بود. توجه به قرض الحسنه، گامی صحیح در تثبیت جهاد و قوام اقتصادی و معیاری جهت تعادل و تنظیم روابط عاطفی در اجتماع انسانی شمرده شده است.

هم‌چنین یکی از خصوصیات صدقات، این است که نمو می‌کند و این نمو، لازمه قهری صدقه است و از آن جدا شدنی نیست چون باعث جلب محبت و حسن تفاهم و جذب قلوب است و امنیت را گسترش داده و دلها را از اینکه به‌سوی غصب و دزدی و افساد و اختلاس بگراید، باز می‌دارد و نیز باعث اتحاد و مساعدت و معاونت گشته و اکثر راههای فساد و فتنای اموال را می‌بندد و همه اینها باعث می‌شود که مال آدمی در دنیا هم زیاد شود و چند برابر گردد.

ب) مبانی حاکم بر روابط انسان با دیگر انسان‌ها در حوزه خرد (نابودی ربا)

حال با توجه به مبانی حاکم در حوزه کلان روابط انسان با انسانهای دیگر، و توجه به ارزش و اهمیت تعادل و قوام در زندگی اقتصادی جامعه، می‌توان با این معیار هر برنامه‌ای که مانند ربا خواری باعث فروپاشی تعادل نظام اقتصادی می‌شود باید تعطیل گردد و هر امری که در رشد و ادامه این مهم نقش ایفا می‌نماید حفظ گردد. هم‌چنانکه قرض و صدقات و زکات باعث افزایش مال و حصول به‌مودت و تعاون و

^۱ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا؛ (نساء: ۵)

... می‌باشد، در مقابل ربا مانع گسترش صدقات انفاقات و قرض‌الحسنه است و خداوند متعال در آیات متعدد ربا را در مقابل انفاقات و صدقات قرار داده است.^۱ این روح تعاون و اعتدال و فرهنگ مهر ورزی و اعطای قرض الحسنه، همه و همه نقطه مقابل عمل رباخواری و اصالت سود و نزول و منافی عدالت و اعتدال است. و رباخوار و رباخواری تزلزل قوام این جامعه را نشانه رفته است و باعث برهم خوردن آرامش و تعاون و تفاهم و زندگی مسالمت آمیز است. پس حاکمیت این مبانی در این عرصه اقتضاء می‌کند، که ربا و رباخواری محکوم به شکست و نابودی باشد. اما بر اساس استثنای خداوند متعال ربای میان پدر و فرزند و شوهر و همسرش، میان عبد و مولا همچنین میان مسلمان و کافر، اشکالی ندارد «قال الرضا(ع)؛ لَيْسَ بَيْنَ الْوَالِدِ وَ وَلَدِهِ رَبًّا وَ لَا بَيْنَ الزَّوْجِ وَ الْمَرْأَةِ رَبًّا وَ لَا بَيْنَ الْمَوْلَى وَ الْعَبْدِ وَ لَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَ الذَّمِّي» (فقه الرضا، ص ۲۵۸).

۴. مبانی حاکم بر روابط بین انسان و طبیعت و زندگی دنیوی

الف) مبانی حاکم بر روابط بین انسان و طبیعت و زندگی دنیوی با رویکرد کلان
براساس مبانی حاکم بر این روابط، موجودات و طبیعت پیرامون ما آیات الهی می‌باشد و انسان حتی در مواجهه با طبیعت و بهره‌وری از آن می‌بایست رابطه خویش را با خداوند لمس کند و طبیعت را هم‌چون امانتی مقدس و نعمت و منشا رزق بداند؛ لذا تعمیر، و آبادی دنیا و اصلاح و حفظ طبیعت، جزئی از اصلاح رابطه انسان با خدا است، که اگر انسان در راه ایمان و تقوا که همان مسیر هماهنگی با نظام خلقت است، حرکت کند مثل این است که یک نوع آشتی میان انسان و طبیعت برقرار می‌شود (مطهری، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۰۱). و این هماهنگی، عاملی برای نزول برکات در جامعه می‌باشد. و در مقابل دنیای مادی ارتباط با رفتار و کردار انسان‌ها دارد و فساد در عقیده و عمل به فساد در زمین منجر می‌شود.^۲ و فساد در زندگی انسان‌ها به فساد اداری و اخلاقی منجر شده که آن نیز در پی

^۱ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُجِبُ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (بقره: ۲۷۶).

^۲ (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (روم: ۴۱)

خود، انواع آلودگی‌ها و مشکلات را در آب و هوا و غذا و فضا ایجاد می‌کنند (المصری، ۱۴۰۷، ص ۱۰۴-۱۰۸).

خداوند متعال با تاکید از انسان خواسته است که مبدا گوهر ذات و غایت حیات خویش را در دنیا جستجو کند،^۱ و زندگانی دنیا را برگزیند و عزیز دارند، در صورتی که منزل آخرت بسی بهتر و پاینده‌تر است، و آنچه نزد خداست بسیار بهتر و باقی‌تر است.^۲ و زندگی واقعی در سرای آخرت^۳ و سرای همیشگی است.^۴ بطوریکه زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی،^۵ و سرمایه فریب^۶ نیست و (باعث) تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی و تکاثر در اموال و فرزندان است.^۷

ب) مبانی حاکم بر روابط بین انسان و زندگی دنیوی با رویکرد خرد (نابودی ربا)
بر اساس پیش فرض گرفتن مبانی حاکم بر روابط انسان و زندگی دنیوی در حوزه کلان پارادایم اقتصادی اسلام، می‌توان بیان داشت که خداوند مَنان نیروهایی در نهاد بشر قرارداده است که هریک نقش به‌سزایی در ادامه حیات نسل بشر ایفا می‌کند. نبود قوه مال دوستی انسان‌ها را از فعالیت‌های اقتصادی و گذران زندگی باز داشته و نظام زندگی

^۱ بل تؤثرون الحیاه الدنیا و الآخرة و ابقى (اعلی: ۱۶-۱۷)

^۲ فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

(شوری: ۳۶)، يأخذون عرض هذا الأدنى. (اعراف: ۹۶۱ و ما عند الله خير و ابقى (قصص: ۶۰)

^۳ وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت: ۶۴)

^۴ يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (غافر: ۳۹)

^۵ وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت: ۶۴)

^۶ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (آل عمران: ۱۸۵)

^۷ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوٌّ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (حدید: ۲۰)

انسانی را دچار بحران می‌سازد. خداوند متعال برای کنترل این غریزه‌ها، قانون‌هایی را وضع کرده است که با به‌کار بستن آن‌ها، سعادت دنیا و آخرت انسان فراهم می‌شود. دین اسلام در پی آن است تا فطرت خداجوی و حق‌طلب انسان را برانگیزد و او را در مسیر راستی و درستی قرار دهد تا او با انجام دستورهای الهی، راه‌کمال را در پیش گیرد. چنان‌که خداوند به‌پیامبر^(ص) دستور می‌دهد که از سرمایه مؤمنان صدقه برگیرد تا آن‌ها را پاک ساخته و تزکیه‌شان کند.^۱ و رباخواری در تضاد با این رویه می‌باشد. خداوند ربا را حرام فرمود تا احسان کردن از بین نرود. «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرِّبَا لِيُثَبِّتَ الْمَعْرُوفَ» (من‌لایحضره الفقیه ج ۳، ص ۵۶۶، ح ۴۹۳۶).

قرآن با تشویق انفاق و کمک بینوایان بعد از بیان حرمت ربا و خصوصیات روحی رباخواران و ذکر آثار ربا در مقایسه با صدقات، مؤمنان را از رباخواری برحذر می‌دارد و آن‌ها را از عواقب و پیامد رباخواری که اعلام جنگ و مبارزه با خدا و پیامبر^(ص) است خبر می‌دهد.^۲ قرآن کریم خطاب به رباخوران توصیه می‌کند، اگر (از رباخواری) توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شماست نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود.^۳ پس رباخواری یک نوع ستم است که در صورت ارتکاب آن اتفاق می‌افتد. رباخواری، استثمار انسان از انسان و تضییع حقوق افراد فقیر و بینوا توسط سرمایه داران و توانگران می‌باشد. و درنهایت پیامبر اکرم^(ص) ربا را بدترین کسب‌ها می‌داند (حرعاملی، ۱۹۸۳، ج ۱۲، ص ۴۲۶). اسلام سفارش زیادی به کار و کوشش کرده است و بهترین غذاها را غذایی می‌داند که انسان با دست خودش و با کار و کوشش به دست آورد (محمدری شهری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۸۵). با این حال، انسان را از دل‌بستگی شدید به دنیا باز داشته و وی را از مال

^۱. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (توبه: ۱۰۳)

^۲. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (بقره: ۲۷۹)

^۳. وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (بقره: ۲۷۹)

اندوزی نهی کرده است؛^۱ زیرا هنگامی که دوستی مال، در دل انسان جای گرفت، برای به دست آوردن آن از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد و حتی به راه‌های حرامی مانند رباخواری نیز کشیده خواهد شد. از دیدگاه اسلام رباخواری از تمام انجام‌دهندگان، گناهان کبیره بدحال‌تر است؛ زیرا هرکاسبی در آن چه به دست می‌آورد، (کم یا زیاد) توکلی به خدا دارد؛ مانند بازرگان یا برزگر و دهقان و همه کسانی که روزی خود را به عقل خود تعیین نمی‌کنند، ولی رباخوار روزی خود را تعیین می‌کند و اعتماد و توکلی به خداوند ندارد (میرزاخسروی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۳۶۸).

اهداف پارادایمی نظام اقتصادی اسلامی با رویکرد نابودی ربا

بر اساس اصل جانشینی انسان از خداوند متعال در روی زمین،^۲ و اصل توصیه به عمران زمین،^۳ انسان جانشین خداوند متعال، و اینکه خداوند متعال طبیعت را برای انسان خلق کرده است،^۴ می‌بایست اهداف متعالی و هدف خلقت ذات خویش را همراه با تقوی و عمل صالح دنبال کند، و آن نیل به حیات طیبه می‌باشد.^۵ و در مرتبه بالاتر هدف اعلی این پارادایم تقرب به الله است، که همان کمال و سعادت نهایی انسان است. «کمالی که همه انبیاء و اولیای الهی علیهم السلام بدان معتقد بوده و مردم را به سوی آن دعوت می‌کردند و آن را تنها وسیله نجات از عذاب الهی و رسیدن به سعادت ابدی می‌دانند» (طاهری، ۱۳۸۴، ص ۶۰). این تقرب قراردادی نیست؛ بلکه واقعی و عینی است، یعنی انسان در سیر به

^۱ «الهیکم التکاثر حتی زرتم المقابر» (تکاثر: ۱ و ۲) که در نکوهش مال‌اندوزی است و «والذین یکنزون الذّهب و الفضة». (توبه: ۳۴).

^۲ «إِذْ جَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ» (اعراف: ۶۹) و «ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ» (یونس: ۱۴) و «وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» (نمل: ۶۲).

^۳ هُوَ أَشْأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ (هود: ۶۱)

^۴ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (بقره: ۲۹)

^۵ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّه حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷)

سوی خدا در مراتب هستی بالا می‌رود و به‌جهت تحصیل کمالات بر سعه وجودی او افزوده می‌شود.

اگر عدل و احسان به‌عنوان اهداف میانی در جامعه مطرح باشد و خدا هم به‌عدل و احسان امر می‌کند؛ ربا هم مانع احسان است، اگر کسی به‌جنگ احسان و نیکی کردن برود با خدا جنگیده است، پس ربا جنگ با خداست. ربا در همه ادیان الهی حرام شمرده شده است؛ آیین یهود و مسیح پیروان خود را از رباخواری برحذر داشته‌اند، ربا سبب فساد اموال است، خدا ربا را حرام کرد چون سبب از بین رفتن معروف می‌شد (حر عاملی، پیشین، ۱۰/۴۲۵/۱۲). با این وصف اگر در جایی خود به‌خود مهر و احسان برقرار باشد ربا ضرری ندارد مانند ربای پسر و پدر. یا اگر در جایی احسان توصیه نشده باشد هم ربا فلسفه تحریمش را از دست می‌دهد مثل ربا به‌غیرمسلمان. و نیز اگر قرض گیرنده از سر مهر و دوستی پولی را اضافه بدهد ربا محسوب نمی‌شود بلکه مستحب است! اگر ربا حلال بود مردم تجارت و احتیاجات خود را ترک می‌کردند پس ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به‌سمت تجارت و به‌سمت بیع و خرید و فروش بروند پس قرض میانشان برقرار شود (همان). پس هدف اسلام از حرمت ربا، توسعه تجارت و رواج سنت قرض الحسنه است.

توجه به‌مساله عمران و آبادانی وضع دنیای مردم به‌عنوان بستر تکامل و حیات اجتماعی آن‌ها در این عرصه می‌باشد، نگاه قرآن و متون روایی ما به‌دنیای گاه همراه با تحقیر و تحذیر و گاه همراه با تشویق، ترغیب و تزئین است، و به‌عنوان وسیله رسیدن به‌اهداف متعالی می‌باشد. و از این دیدگاه اقتصاد برای انسان است، آنهم انسانی که بر اساس موازین الهی باید در مسیر رشد معنوی قرار گیرد و ابزار مادی این رشد صرفاً اقتصاد می‌باشد (درخشان، ۱۳۹۱، ش ۵۲، ص ۷۲-۳۳). بنابراین هدف کلی این پارادایم

^۱ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نحل: ۹۰)

محدود به جسم و نیازهای جسمانی او آن گونه که در مکاتب اومانیستی مطرح می شود نیست، و رفاه مادی، بهره گیری بهتر از امکانات طبیعی، قدرت و ... ابزار و وسیله ای برای دستیابی به تقرب به خدا می باشد، و دنیا کشتزار آخرت است. به طور کلی اقتصاد و زندگی دنیوی براساس موازین الهی باید در مسیر رشد معنوی قرار گیرد و اقتصاد صرفاً ابزار مادی این رشد است. در آیات متعددی خداوند حیات دنیوی را در صورتی که «هدف» لحاظ گردد، با واژه هایی همچون لهو و لعب، معرفی نموده^۱، و در مقایسه با حیات جاوید اخروی از آن به «متاع قليل»^۲ یاد می کند، و مقدمه و زمینه ساز رسیدن به اهداف متعالی و نهایی انسان باشد.

از نظر اقتصاددانان اسلامی، حذف ربا یکی از ابزارهای سیاستگذاری اسلامی برای استقرار یک جامعه مبتنی بر قسط است. یکی از اقدامات موثر در حذف بهره، افزایش فعالیتهای دولت در مراحل تشکیل سرمایه و پس انداز است. راه دیگر، مشارکت در سود یعنی مضاربه است. حذف ربا تنها در صورتی معنی دار خواهد بود که در چهارچوب بازسازی همه جانبه اقتصادهای کنونی انجام شود. این تغییر و تحول باید شامل ملی کردن کلیه دستگاههایی که ایجاد پول می کنند و بخش کالاهای سرمایه ای و افزایش قابل ملاحظه نسبت پس انداز بخش دولت در مقایسه با کل پس انداز باشد. این اقدامات باید کل ساختار جامعه را در جهت اسلام تغییر دهد (اکبریان خوراسگانی، پیشین).

آثار و لوازم فردی و اجتماعی ربا

لوازم و آثار فردی و اجتماعی ربا به نوعی بیان نتایج کارکردی مبانی اساسی پارادایمی نظام اقتصادی و حاکم در این عرصه ها، با رویکرد کلان نظام اقتصادی و رویکرد خرد و خاص به تبیین نابودی ربا می باشد. همان طوریکه در فرضیه مطلب، نابودی تدریجی ربا،

۱. وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (انعام: ۳۲)، وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت: ۶۴)، إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ (محمد: ۳۶)

۲. (نساء: ۷۷)، (توبه: ۸۳)، (نحل: ۷۱)، (آل عمران: ۷۹)، (رعد: ۶۲)، (غافر: ۹۳)

به منزله‌ی محو و نابودی تدریجی اهداف و غایاتی است که ربا خوار در نظر دارد با انجام فعل حرام و بسیار شنیع و مخالف شدید رضای خدا به آن برسد، و به لوازم فردی و اجتماعی رباخواری دچار می‌گردد، که به برخی از این لوازم و آثار اشاره می‌گردد.

کوچک شماری احکام الهی

در قرآن آیه‌ی در مذمت قوم یهود آمده است که کوچک شماری احکام الهی داشتند به خاطر آن خداوند متعال چیزهایی که قبلاً برایشان حلال و طیب بود بر آنان حرام کرده است و این به خاطر تلاش آنان در جلوگیری از راه خداوند می‌باشد^(۱۶۰). در آیه فوق به این مسئله اشاره کرده است که آن قوم ربا می‌گرفتند و مال مردم را به باطل می‌خوردند و در نتیجه احکام الهی را تعطیل کردند. با توجه این سخن جریان ربا در بین جامعه مسلمین سبب می‌شود که برخی احکام الهی تعطیل گردد و مردم نسبت به دستورات پروردگار خویش بی‌توجه شوند.

از بین رفتن عمل پسندیده (قرض)

در روایتی امام رضا^(ع) می‌فرماید: «ربا موجب از بین رفتن عمل پسندیده (قرض) است. و در عین حال موجب تلف شدن اموال و سبب طمع و رغبت مردم در بهره شده و این طمع و حرص موجب ترک قرض می‌گردد» (مسند الامام الرضا، ج ۲، ص ۳۰۵). حضرت^(ع) در روایتی دیگر علت تحریم ربای نسیه را، از بین رفتن کارهای نیک، نابودی اموال، گرایش مردم به سودجویی و رهاکردن قرض بیان می‌کند و حال آنکه قرض از کارهای نیک است (حرعاملی، پیشین، ص ۴۲۴). اگر رباخواری در جامعه رواج داشته باشد صاحبان وجوه مازاد، می‌بینند بدون وارد شدن در فعالیت اقتصادی و تحمل زحمت و مخاطرات، تنها از طریق قرارداد قرض ربوی می‌توانند کسب سود کنند و این موجب افزایش روحیه حرص و طمع شده، و صدقات و اعطای قرض الحسنه به نیازمندان را کاهش می‌دهد.

ترک تجارت

امام صادق^(ع) می‌فرماید: «علت تحریم ربا این است که مردم تجارت را ترک نکنند و از حلال رو گردان نشوند و به حرام روی نیاورند» (همان). هشام از امام صادق^(ع) در رابطه با علت حرمت ربا سوال کرد، امام فرمود: خداوند ربا را به این جهت حرام کرد که مردم به کارهای تجاری و مفید روی آورند و اگر ربا حلال می‌بود مردم فعالیت‌های مفید و

اقتصادی را ترک می‌کردند (حکیمی و...، همان، ج ۵، ص ۴۰۴). از این دو حدیث می‌توان این چنین برداشت نمود که: رباخواری باعث می‌شود طلبکار بدون انجام فعالیت اقتصادی مفیدی از درآمد بالایی برخوردار شود و این عمل به اقتصاد جامعه لطمه می‌زند. زیرا عده‌ای از افراد بدون استفاده از استعداد و نیروی خود و بدون هیچ نیازی به کار کردن با پولی که از راه ربا به دست می‌آورند، از امکانات و تولیدات جامعه استفاده می‌کنند؛ یعنی ربا بستری برای رشد تن‌پروری، کندی تجارت، پدیداری رکود اقتصادی می‌شود.

ظلم و تباهی اموال

امام رضا^(ع) می‌فرماید: علت حرام بودن ربا، خدای بزرگ بدان جهت ربا را نهی کرده، که مایه تباهی اموال است، چه اگر آدمی یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای درهم یک درهم است و درهم دوم ناحق است؛ پس فروختن و خریدن به ربا به هر حال مایه زیان خریدار و فروشنده است (حکیمی، پیشین، ج ۴؛ ص ۴۶۱). در روایت دیگر علت تحریم ربا در بیع و شراء نسیه آن است که معروف از بین رفته و اموال تلف گشته و مردم به گرفتن سود رغبت پیدا نموده و قرض را ترک کرده و امور معروف و پسندیده را رها می‌کنند مضافاً به این که این ربا نیز موجب فساد و ظلم و نابودی اموال می‌باشد (ابن بابویه، ۱۳۸۰؛ ج ۲؛ ص ۵۴۷).

در روایتی از امام رضا^(ع) علت حرمت ربا ظالمانه بودن آن دانسته شده است (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۴ و ۱۸۵). و حضرت^(ع) در روایت دیگر می‌فرماید: «علت حرمت ربا اینست که علاوه بر نافرمانی خدا در آن فساد مالی، ظلم و تباه شدن اموال وجود دارد» (مؤسسه آل البیت، مسند الامام الرضا، ج ۲، ص ۳۰۵).

ظلم و بیکاری

امام خمینی^(ره) معتقداند، ربا موجب ظلم و بیکاری است (خمینی، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۸۱) ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «در کمترین جایی است که به اندازه ربا در قرآن و سنت به آن اهمیت داده شده است و آن را طرد کرده باشد و نکته‌اش هم این است که اگر ربا رواج بگیرد فعالیت کم می‌شود. از یک طرف ظلم است و از یک طرف بیکاری است» (همان).

هم‌چنین بر اساس تحلیل اقتصادی می‌توان گفت؛ ربا از عرضه درست کالا جلوگیری می‌کند و جامعه را به رکود اقتصادی می‌کشانند. دکتر احمد لطفیان درباره پی‌آمدهای بد ربا در اقتصاد کشور می‌گوید: امروزه یکی از دشواری‌های بزرگی که در سطح بین‌المللی، اقتصاد کشورها را سخت دچار رکود کرده است، مسأله بهره و رباست؛ زیرا ربا جلو عرضه درست کالا را می‌گیرد و موجب رکود می‌شود. نظام اقتصادی بر اساس رباخواری، سبب ایجاد تناقض شدید میان منافع تجاری و صنعتی از یک سو و منافع سرمایه‌نزولی سرمایه‌داران از سوی دیگر می‌شود. ربا سبب می‌شود که سرمایه کم‌تری وارد بخش‌های صنعتی و تولیدی کشور بشود و سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی کشور در دراز مدت کاهش بیابد (روزنامه قدس، ۱۳۷۷/۵/۲۴). و هرچه سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی-صنعتی کاهش یابد، به‌همان نسبت بی‌کاری در جامعه رشد پیدا می‌کند. چون سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و تولیدی خالی از ضرر و زیان نیست و با سختی بسیار همراه است، ولی بهره پولی، سودی تضمین شده و بدون زحمت است، طبیعی است که سرمایه‌ها به‌سوی امور ربوی سرازیر می‌شود. فرد رباخوار نیز سود به‌دست آمده از رباخواری را در امور تولیدی سرمایه‌گذاری نمی‌کند، بلکه دوباره در راه سوددهی به‌کار می‌اندازد. و یا در اموری سرمایه‌گذاری می‌کند که سود بیش‌تر و ریسک کم‌تری داشته باشد؛ هرچند این سرمایه‌گذاری‌ها بر خلاف مصلحت جامعه باشد و مفاسد اخلاقی نیز در پی داشته باشد. بنابراین، کم‌کم توان تولیدی جامعه رو به کاهش می‌گذارد، یا تولیدات زمینه ساز مفاسد اقتصادی افزایش می‌یابد که هردو به از هم پاشیدگی و فساد نظام اقتصادی کشور می‌انجامد.

قساوت قلب و خسارت

از خواص ربا کاهش مال و فنای تدریجی آن است چون ربا باعث قساوت قلب و خسارت می‌شود و این دو باعث بغض و عداوت و سوء ظن می‌گردد و امنیت و مصونیت را سلب نموده، نفوس را تحریک می‌کند تا از هر راهی و وسیله‌ای که ممکن باشد چه با زبان و چه با عمل، چه مستقیم و چه غیر مستقیم از یکدیگر انتقام بگیرند، و همه اینها باعث تفرقه و اختلاف می‌شود و این هم راه‌های فساد و زوال و تباهی مال را

می‌گشاید و کمتر مالی از آفت و یا خطر زوال محفوظ می‌ماند (طباطبائی، پیشین ج ۲، ص ۴۲۰).

از بین بردن تعادل اقتصادی

رباخواری تعادل اقتصادی را در جامعه‌ها به هم می‌زند و ثروتها را در یک قطب اجتماع جمع می‌کند زیرا جمعی بر اثر آن فقط سود می‌برند و زیان‌های اقتصادی همه متوجه جمعی دیگر می‌گردد و اگر می‌شنویم فاصله میان کشورهای ثروتمند و فقیر جهان روز به روز بیشتر می‌گردد یک عامل آن همین است و به دنبال آن بروز جنگهای خونین است. و رباخواری یک نوع تبادل اقتصادی ناسالم است که عواطف و پیوندها را سست می‌کند و بذر کینه و دشمنی را در دلها می‌پاشد و در واقع رباخواری بر این اصل استوار است که رباخوار فقط سود پول خود را می‌بیند و هیچ توجهی به ضرر و زیان بدهکار ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۸۰). اینجا است که بدهکار چنین می‌فهمد که ربا خوار پول را وسیله بیچاره ساختن او و دیگران قرار داده است. و ربا دهنده اگر چه در اثر احتیاج تن به ربا می‌دهد اما هرگز این بی‌عدالتی را فراموش نخواهد کرد، و حتی کار به جایی می‌رسد که فشار پنجه ربا خوار را هر چه تمام‌تر بر گلوی خود احساس می‌کند این موقع است که سراسر وجود بدهکار بیچاره به رباخوار لعن و نفرین می‌فرستد، تشنه خون او می‌شود و با چشم خود می‌بیند که هستی و درآمدی که به قیمت جاننش تمام شده به جیب رباخوار ریخته می‌شود، در این شرائط بحرانی است که ده‌ها جنایت وحشتناک رخ می‌دهد، بدهکار گاهی دست به انتحار و خودکشی می‌زند و گاهی در اثر شدت ناراحتی طلبکار را با وضع فجیعی می‌کشد و گاه به صورت یک بحران اجتماعی و انفجار عمومی و انقلاب همگانی در می‌آید (همان، ج ۲، ص ۳۷۵).

گسستگی پیوند تعاون و همکاری میان ملتها

رباخواری موجب گسستگی پیوند تعاون و همکاری در میان ملتها و کشورها می‌گردد، زیرا کشورهای ملت‌هایی که می‌بینند ثروتشان به عنوان ربا به جیب ملت دیگری ریخته می‌شود با بغض و کینه و نفرتی خاص به آن ملت می‌نگرند و در عین اینکه نیاز به قرض داشته‌اند منتظرند روزی عکس العمل مناسبی از خود نشان دهند.

این است که می‌گوییم رباخواری از نظر اخلاقی اثر فوق العاده بدی در روحیه وام گیرنده به جا می‌گذارد و کینه او را در دل خودش می‌یابد و پیوند تعاون و همکاری اجتماعی را بین افراد و ملتها سست می‌کند (همان). همه اینها برای این است که صدقه و ربا هردو با زندگی طبقه محروم و محتاج تماس دارد زیرا احتیاج به ضروریات زندگی، احساسات باطنی آنان را تحریک کرده و در اثر وجود عقده‌ها و خواسته‌های ارضا نشده آماده دفاع از حقوق زندگی خود گشته و هرطور که شده درصدد مبارزه بر می‌آیند. اگر در این هنگام به‌ایشان احسان شده و کمک‌های بلاعوض برسد احساساتشان تحریک می‌شود تا با احسان و حسن نیت خود، آن احسان را تلافی کنند و اگر در چنین وضعی در حق آنان با قساوت و خشونت رفتار شود به‌طوری که تتمه مالشان هم از بین برود و آبرو و جانشان در خطر افتد، با انتقام مقابله خواهند کرد و به هر وسیله‌ای که دستشان برسد طرف مقابل را منکوب می‌سازند و کمتر رباخواری است که از آثار شوم این مبارزه محفوظ بماند بلکه آنهایی که سرگذشت رباخواران را دیده‌اند همه از نکبت و نابودی اموال آنان و ویرانی خانه‌ها و بی ثمر ماندن تلاش‌هایشان از قهر فقرا خبر می‌دهند (طباطبائی، ج ۲، ص ۴۲۰).

تورّم

از حلقه‌های به هم پیوسته پی‌آمدهای رواج ربا در جامعه، تورّم است. در نظام ربّوی صاحبان صنایع ناچارند برای به‌دست آوردن سرمایه یا دست کم جبران کمبود سرمایه قرض ربایی بگیرند. این مسأله هزینه تولید را بالا برده و به افزایش قیمت تولیدات می‌انجامد و چون این افزایش قیمت غیر طبیعی به جیب رباخوان می‌رود، در نتیجه سود آوری صنایع در سطح پایین خواهد بود. در این صورت، دولت نیز نمی‌تواند مالیات سنگین از صاحبان صنایع دریافت کند؛ زیرا درآمد آنان پس از کسر هزینه‌های حقیقی و غیر حقیقی ناچیز خواهد بود. در نتیجه، دولت نیز با کمبود درآمد روبه‌رو می‌شود و مجبور است برای فراهم کردن حقوق کارمندان خود به چاپ اسکناس دست بزند که این مسأله به تورّم کاذب در جامعه خواهد انجامید.

آسیب های روحی

دکتر عبدالعزیز اسماعیل پاشا، در زمینه آسیب های فعالیت های ربوی می نویسد: هنگام نبود توانایی پرداخت ربا از سوی بدهکار، وی دچار اضطراب های عصبی می شود. درباره این گونه افراد، حالت هایی را دیده ایم که به بروز مرض قند و زیادی فشار خون و سکتة ناقص و حتی بی خونی جنون آور انجامیده است؛ زیرا اضطراب عصبی در این هنگام «آدرنالین» را در جسم زیاد می کند و این امر، سبب فشار خون و ترشحات «پانکراس» می گردد. بیش تر مرض های عصبی روحی از این گونه حالت ها برمی خیزد، ولی چون به دست آوردن درآمد حلال تدریجی است و کاسب هر روز انتظار سود و زیان دارد، این انفعال های پی در پی و لحظه ای، او را برای تاب آوردن زیان ها آماده می سازد (اسماعیل پاشا، ۱۳۴۶، ص ۶۴).

سودجویی مفروط و کینه توزی

رباخوار در اثر مال دوستی و مال پرستی آن چنان خوی سودجویی فکر و حواس او را می گیرد که اندیشه و پروانه خیالش جز در محور آن نمی چرخد و در نظر گاه او مقیاس همه ارزش ها همین سود می شود. می کوشد که همه مواهب عقلی و انسانی و قوانین کار و تولید را برای سودبری خود به کار گیرد و چون روش و منش او با سنت های طبیعی و مصالح مردم تضاد دارد و دشمنی قربانی شدگان و ستم زدگان را نسبت به خود احساس می کند؛ خوی کینه جویی و بداندیشی نسبت به مردم در او ملکه می شود. از ترکیب خوی سود جویی و کینه توزی بی پایان، خوی درندگی و حسد و چاپلوسی و عقده خود کوچک بینی و خود بزرگ بینی در درونش ریشه می گیرد (طالقانی، پرتویی از قرآن، ج ۳، ص ۱، ج ۱، ص ۲۵۳). از طرف دیگر فشار روزافزون بر طبقه فقیر وام گیر و روبه رو شدن آنان با رفتارهای خشونت آمیز و بی رحمانه ثروتمندان و سود پرستان که سبب می شود فرد وام گیر زندگی و آبرو و جان خود را در خطر ببیند، حس انتقام جویی او را برمی انگیزد تا به هر گونه ای که شده است، انتقام خود را بگیرد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۸۳).

بخل ورزی در مصرف

امام صادق^(ع) می فرماید: بخیل کسی است که سرمایه ای را از راه غیر حلال به دست آورد و در راه غیر حلال نیز به کار گیرد (حرعاملی، ۱۹۸۳، ج ۱۷، ص ۸۱). بی گمان مالی

نامشروع‌تر و حرام‌تر از ربا نیست؛ زیرا خداوند انسان رباخوار را به‌جنگ با خود فراخوانده است. انسان رباخوار با زیر پا گذاشتن حدود شرعی و عواطف انسانی، خود را در مسیر خلاف فطرت و راهی غیر مستقیم می‌اندازد. چنین انسانی هنگام مصرف سرمایه‌هایی که از این راه‌های نامشروع به‌دست آورده است، با پریشانی رفتار می‌کند و چون وی نسبت به اموالش حساب‌های درصدی و سودهای روزانه و ماهانه باز کرده است، هنگام مصرف آن‌ها حساب سودهای زودرس و بادآورده پول‌های خود را نیز در نظر می‌آورد و از مصرف کردن آنها خودداری می‌کند؛ یعنی با وسوسه‌های شیطانی در انباشتن ثروت، خود و خویشانش را از نعمت سرمایه‌اش محروم می‌سازد. و در نتیجه، با این‌گونه حساب‌های نابخراذانه تنها به جمع‌آوری سرمایه بیش‌تر می‌پردازد و رفته رفته به این شیوه عادت می‌کند و به راحتی نمی‌تواند آن را ترک کند. امام حسن مجتبی^(ع) می‌فرماید: «عادت‌ها همواره بر انسان غلبه دارند. کسی که عادت کند کاری را در پنهانی انجام بدهد، این عادت او را نزد مردم رسوا می‌کند». (محمّدی ری شهری، پیشین، ۱۳۶۷، چ ۲، ج ۸، ص ۳۸۵، ج ۷، ص ۱۲۲، ح ۱۴۲۵۵) چنین شخصی حتی اگر سرمایه فراوانی داشته باشد، باز هم در استفاده از آن‌ها بر خود و خویشان و هم‌نوعانش بخل می‌ورزد. به فرموده قرآن، کسی که به دیگران بخل ورزد، درحقیقت به‌خود بخل ورزیده است.^۱ و پول دوستی ربا خوار و فراهم نکردن نیازهای زن و فرزند، اعتراض آن‌ها را بر می‌انگیزد و به بروز اختلاف در خانواده نیز می‌انجامد.

تنگ‌خُلقی و نگرانی

رباخوار به دلیل اعتماد نداشتن به خداوند و زنده نگه نداشتن یاد خدا در زندگی^۲، همواره در تنگ‌خُلقی به سر می‌برد و تنها اعتمادش به اسباب و علّت‌های مادی است و چون علّت‌های مادی همواره درحال دگرگونی و نابودی است، رباخوار را به دلهره و

^۱ هَا أَنتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (محمد: ۳۸)

^۲ و من أعرض عن ذكرى فإن له معيشة ضنكا و نحشره يوم القيامة أعمى (طه: ۴۲)

نگرانی از آینده دچار می‌کند، به ویژه این‌که افراد طرف قرارداد او، انسان‌های تهی‌دستی هستند که به سبب نگرانی‌ها، ناچارند وام ربوی بگیرند. طبیعی است که اگر دخل این افراد خرج آن‌ها را کفایت می‌کرد، آنان به قرض ربوی روی نمی‌آوردند. از این رو، این‌گونه افراد بیش‌تر با ورشکستگی مالی روبه‌رو می‌شوند و این جاست که اصل سرمایه فرد رباخوار نیز در معرض نابودی قرار می‌گیرد و همه این‌ها سبب می‌شود که انسان رباخوار همیشه در دلهره و نگرانی به سر برد.

تأثیر بر روی فرزندان

یکی دیگر از پی‌آمدهای جبران‌ناپذیر رباخواری، تأثیر آن بر روی فرزندان است. اسلام تأکید زیادی بر به دست آوردن روزی حلال کرده است و به‌دستور اسلام باید هزینه زن و فرزندان از راه حلال باشد. چون گوشت و پوست فرد رباخوار از حرام روییده است، نطفه‌ای هم که از او پدید می‌آید، از همان لقمه‌های حرام است و این اثر ناخوشایندی در سعادت فرزند دارد. چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «كسْبُ الْحَرَامِ يَبْنِي فِي الذَّرِيَّةِ؛ اثر مال حرام در نسل ظاهر می‌شود» (حرعاملی، پیشین، ۱۹۸۳، ج ۱۷، ص ۸۱، باب ۱، ح ۳).

فاصله طبقاتی

گسترش فرهنگ رباخواری در جامعه، سبب فاصله هرچه بیش‌تر میان ثروتمندان و تهی‌دستان می‌شود؛ زیرا ربا، سودی تضمین شده و بدون ضرر و زیان است (بر خلاف مضاربه یا عقود دیگر که دو طرف در سود و زیان شریک‌اند). روشن است که روز به‌روز بر سرمایه و قدرت سرمایه‌دار افزوده می‌شود و برعکس از قدرت مالی و اقتصادی افراد قرض‌گیرنده کم می‌شود؛ چون معمولاً افراد کم‌درآمد که برای فراهم ساختن نیازمندی‌های اولیه خود درمانده شده‌اند، قرض با بهره می‌گیرند و چون بخشی از این وام، برای برآورده کردن نیازهای اولیه و کسری بودجه آنان صرف می‌گردد، روز به‌روز بر فقر و بیچارگی آنان افزوده می‌شود و فاصله طبقاتی سیر صعودی به‌خود می‌گیرد. به‌گفته یکی از سرمایه داران بزرگ یهودی، در سال ۱۹۷۰م. یهودیان ۷۰ درصد ثروت دنیا را در اختیار داشتند؛ در حالی که دیگران تنها ۳۰ درصد را در دست داشتند (المصری، ۱۴۰۷، ص ۱۷).

جمع بندی و نتیجه گیری

این تحقیق به دنبال تبیین چرایی و چگونگی نابودی ربا از دیدگاه قرآن کریم می باشد، آنچه به عنوان طرح اولیه نسبت به این مسئله بیان شد، مد نظر قرار دادن پارادایم نظام اقتصادی اسلام، و توجه به مبانی قرآنی - اقتصادی حاکم در حوزه ی موضوع و روابط این موضوع با خداوند متعال، جامعه و طبیعت، همراه با اهداف مشخص و متمایزی در این پارادایم می باشد. این مجموعه می تواند ترسیمی از ویژگیهای اقتصاد مطلوب قرآنی را به دنبال داشته باشد، که در آن نابودی ربا معنا پیدا می کند. فرضیه اصلی، نابودی تدریجی اهداف و غایاتی است که ربا خوار در نظر دارد با انجام فعل حرام رباخواری و مخالف رضای خدا به آن برسد. و براساس مبانی پارادایمی حاکم در نظام اقتصادی اسلامی، با رویکرد کلان نظام اقتصادی و رویکرد خاص و ناظر به نابودی ربا، به لوازم فردی و اجتماعی رباخواری، به عنوان نتایج کارکردی این پارادایم در مقوله تبیین نابودی ربا می رسیم، که صد درصد با اهداف مورد انتظار رباخوار متناقض است، و دیوانگی و عدم تعادل، اضطراب و نگرانی و سایر لوازم دهشتناک فردی و اجتماعی از نمونه های آن می باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، محمد جواد. (۱۳۸۰)، علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، انتشارات مؤمنین، قم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لایحضره الفقیه، مترجم: غفاری، علی اکبر، قم، چاپ اول.
۳. ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م)، جمهره اللغة، بیروت، انتشارات دار العلم للملایین، چاپ اول.
۴. ابن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴) المحيط فی اللغة، محقق: محمدحسن آل یاسین، بیروت، انتشارات عالم الکتب، ج ۱.
۵. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمدهارون، قم، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، انتشارات دار صادر، چاپ سوم.
۷. احمدوند، معروف علی. (۱۳۹۰)، حکمت تحریم ربا در اندیشه فقهی استاد شهید مطهری، فصلنامه فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، شماره ۳۹.
۸. آرام، احمد. (۱۳۸۰)، ترجمه الحیاء، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. اکبریان خوراسگانی، رضا. (۱۳۷۰)، تحلیلی از مفاهیم بهره وری و ربا در اقتصاد اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق، استاد راهنما، مسعود درخشان.

۱۰. امام رضا^(ع)، (۱۴۰۶)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، مشهد، تحقیق: مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۱۱. بخشی دستجردی، رسول. (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی نظریه نرخ بهره صفر با نظریه تحریم ربا در اسلام، اقتصاد اسلامی» تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۳۸.
۱۲. بهرامی، احمد، باباخانیان، محمدرضا. (۱۳۸۹)، مکتب توسعه انسانی - اجتماعی قرآن به عنوان یک پارادایم، مهندسی فرهنگی، آذر و دی ۱۳۸۹. شماره ۴۷ و ۴۸.
۱۳. پاشا، عبدالعزیز اسماعیل. (۱۳۴۶)، اسلام و طبّ جدید، برگردان: سید غلام رضا سعیدی، چاپ آموزش و پرورش.
۱۴. پاینده، ابو القاسم. (۱۳۶۳)، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات دنیای دانش، چاپ چهارم.
۱۵. پورفرج، علیرضا. (۱۳۸۷)، طراحی مدل علمی بر اساس مبانی و پارادایم های اقتصاد اسلامی، اقتصاد اسلامی سال هشتم زمستان ۱۳۸۷. شماره ۳۲.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹) وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۹۸۳)، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۸. حسینی، سید هادی. (۱۳۸۹)، حکمت های تحریم ربا، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۵.
۱۹. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد. (۱۳۸۰)، الحیات، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۲۰. حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی. (۱۳۷۴)، الحیات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۱. خسروی، علی رضا میرزا. (۱۳۹۷)، تفسیر خسروی، چاپ اسلامیّه.
۲۲. خمینی، روح الله. (۱۴۲۵)، ترجمه تحریر الوسيله، مترجم: علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. خمینی، روح الله. (۱۴۰۱)، تحریر الوسيله، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ سوم، بیروت.
۲۴. درخشان، مسعود. (۱۳۹۱)، بومی سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی: ملاحظات در رویکردهای تطبیقی و مبانی، پژوهش های اقتصادی ایران، سال هفدهم - شماره ۵۲، ۳۳-۷۲.
۲۵. رجایی، سید محمد کاظم. (۱۳۸۴)، ماهیت بهره و ربا، دیدگاه مقایسه ای، مجله اندیشه حوزه، مرداد و شهریور ۱۳۸۴ - شماره ۵۳.
۲۶. صدر، سید محمد باقر. (۱۳۵۷)، اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه ع اسپهبدی تهران، انتشارات اسلامی.

۲۷. صدر، محمد باقر. (۱۳۶۹)، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه: حسین منوچهری، انتشارات نشر فرهنگی رجاء.
۲۸. صدر، محمد باقر. (۱۳۷۵)، اقتصادنا، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول.
۲۹. طالقانی، سید محمود، پرتویی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، چ ۳، ج ۱
۳۰. طاهری، حبیب‌الله. (۱۳۸۴) اخلاق اسلامی یا آداب سیر و سلوک، دفتر انتشارات اسلامی قم
۳۱. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۹۳)، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳۲. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۶۲)، تفسیر المیزان، قم، بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی.
۳۳. طوسی محمد بن حسن. (بی‌تا) التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۳۴. فراهانی فرد، سعید. (۱۳۷۸)، نقش بانکداری بدون ربا در رفع فقر، نامه مفید « بهار ۱۳۷۸ شماره ۱۷.
۳۵. فرزین‌وش، اسدالله و ندری، کامران. (۱۳۸۱)، ربا، بهره قراردادی و بهره طبیعی، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۶۰.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷)، الکافی (ط-الاسلامیه)، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۴، ۸ جلد.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۱)، الفروع من الکافی، چاپ سوم، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
۳۸. کیا الحسینی، سید ضیاء الدین. (۱۳۸۷)، در مقاله نقش زکات فطره در فقر زدایی مطالعه موردی: ایران ۱۳۸۵-۱۳۷۰، اقتصاد « اقتصاد اسلامی » پاییز ۱۳۸۷ - شماره ۳۱.
۳۹. کیاهراسی. (۱۴۰۳)، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۴۰. گرامی، غلامحسین. (۱۳۸۷)، انسان در اسلام، نشر معارف.
۴۱. گیلک حکیم آبادی، محمد تقی. (۱۳۸۵)، بررسی توان زکات (گندم و جو) در کاهش فقر (مطالعه موردی استان گلستان)، نامه مفید « تیر ۱۳۸۵ - شماره ۵۴ (علمی-پژوهشی).
۴۲. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲.

۴۳. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۶۷)، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، چ دوم، ۱۳۶۷، ج ۲، ج ۸.
۴۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۰)، ترجمه تفسیر المیزان، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
۴۵. المصری، عبدالسمیع. (۱۴۰۷)، لماذا حرم الله الربا، مکتبه وهب.
۴۶. المصری، یونس رفیق. (۱۴۲۶)، الاعجاز الاقتصادي للقرآن الكريم، دارالقلم، دمشق، سوریه.
۴۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰)، فلسفه تاریخ، تهران: انتشارات صدرا، دوم. ج ۱.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۳)، تفسیر نمونه، ج ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ هفدهم.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۵۰. ملکوتی، میرزا مسلم. (۱۳۹۵)، الربا فی التشريع الاسلامی، قم، مهر.
۵۱. موسوی همدانی، محمدباقر. (۱۳۷۴)، ترجمه المیزان، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۱.
۵۲. موسویان، سید عباس. (۱۳۸۶)، نظریه‌های ربا و بهره، اقتصاد اسلامی، پاییز ۱۳۸۶ - ش ۲۷ (علمی-پژوهشی).
۵۳. نظری، حسن آقا. (۱۳۸۹)، روش شناسی تمایز اقتصاد اثباتی و هنجاری و بازنگری آن در راستای نظریه پردازی علم اقتصاد اسلامی (مقاله علمی پژوهشی (حوزه و دانشگاه)، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ش ۶۴ و ۶۵.
۵۴. هادوی نیا، علی اصغر. (۱۳۸۶)، جایگاه اقتصادی سنت رزق، اقتصاد اسلامی زمستان، سال ۷، ش ۲۸.